سفرهای ملاح رویا (تأملی در شعر جواد مجابی)

علی پور، مصطفی

 بر بام بم،سفرهای ملاح رؤیا«پوپکانه»، شیدایی،دری به شادخویی مجموعه‏ شعرهای مجابی از 1356 تا 1380 را دربردارد که در کتابی درشت و سنگین به نام یکی‏ از دفترها«سفرهای ملاح رویا»فراهم آمده‏ است.کارنامهء شاعر پیوست پایانی کتاب‏ است که در آن ضمن شرح سرگذشت‏نامهء فشرده‏ای از شاعر کارها و کوشش‏های وی‏ آثاری که تا اکنون از او منتشر شده نام برده‏ شده‏اند«سفرهای ملاح رؤیا»را همچنین‏ می‏توان به نوعی کارنامهء سی سال شاعری‏ مجابی دانست تأثیر مستقیم سه دهه کوشش‏ پی‏گیر مستمر مجابی در حوزه‏های مختلف‏ ادبی از رمان،شعر،نمایشنامه تا تحقیق و روزنامه‏نگاری را آشکارا می توان در شعرهای‏ این کتاب دید.گرایش افراطگرایانه به‏ اسطوره و تاریخ بویژه در دفتر بر بام بم، بی‏تردید نتیجهء سالیان دراز تحقیق و مطالعات‏ وی در این حوزه‏های فکری است در یک‏ کلام سفرهای ملاح رؤیا را می‏توان برآیند شاعرانهء تمامی زمینه‏های فکری و ذوقی‏ مجابی از داستان‏نویسی تا طنز و روزنامه‏نگاری دانست و شاید به همین دلیل‏ باشد که مجابی که در کتاب سفرهای ملاح‏ رؤیا بسیار متفاوت و گوناگون جلوه کرده‏ است تا آنجا که گاه به‏نظر می‏رسد که چند شاعر با ذهن‏ها و زبان‏هایی متفاوت وی را در سرودن کتاب یاری کرده‏اند و این را به‏ سادگی می‏توان از پراکندگی‏ها و تفاوت‏های‏ زبانی و شکلی سروده‏ها دریافت.آشنایی‏ خوب مجابی با تاریخ بویژه تاریخ کرمان و بم چندان تأثیر شگفت بر زبان او داشته که‏ در بیشتر سروده‏های بر بام بم قلم مورخی‏ با ذوق را می‏بینیم که می‏خواهد تاریخ را به‏ مدد اسطوره و استعاره به تحلیل و گزارش‏ بنشیند زبان نثرگونه و گاه شعاری نیز حشوگرایی خوانش دفتر بر بام بم را حتی‏ برای یک خوانندهء حرفه‏ای شعر بسیار نفس‏گیر و کلافه‏کننده کرده است دفتر بر بام بم اگرچه فریاد اعتراض است لیکن به‏ دلیل این که به ذات زبان شعر و عناصری‏ چون ایجاز که در شاعرانگی زبان بیشترین‏ سهم را داراست کمتر وفاداری نشان داده‏ است به ندرت می‏تواند شعر اعتراض باشد اگر این فریاد اعتراض مجابی در نوع رمان‏ یا داستان و نمایش عرضه می‏شد شاید فقط رساتر شنیده می‏شد تا اکنون که در شکل‏ شعری مبهم و سنگین و به دلیل بهره‏گیری‏ افراط از اساطیر و نیز نمادگرایی پیچیده‏ بروز داده شده است و این سرنوشت آن‏ دستهء پرشمار از شعرهایی است که رویکرد غیرتجربی آنها به عناصر تاریخی آشکار است1تقریبا بیشتر شعرهای سپید بلند مجابی در این دسته جای می‏گیرند و شعرهایی که هم‏چون تعبیر او دربارهء بم، حماسه است لیکن حماسهء ویرانی!(صفحه‏ 22)اما شعرهای کوتاه و نیمایی وی که‏ اندک شمار نیز نیستند هم به لحاظ فرم و شکل و هم به لحاظ معنا و اندیشه چندان‏ متفاوتند که پنداری شاعری غیرشاعر بر بام‏ بم آن‏ها را سروده است نیمایی‏های دفتر «در میهن اندوه»اگر بهترین‏های این سال‏ها نباشد بی‏شک بهترین‏های مجابی است‏ زبان موجز و تصویرهای حسی در قطعات‏ پرواز-آه که او شنگولانه،شش و چهارده‏ و شانزده،هماغوش،و پیوند آن عناصر با فکر و موسیقی این شعرها ار از خواندنی‏ترین‏های این کتاب کرده است‏ تلاقی عشق و مرگ و انسان که تحمیل‏ جبر تاریخ است بن مایهء موضوعی و مضمونی‏ بیشتر سروده‏های این کتاب است.«سیب» استعارهء عشق ازلی-ابدی است و دانهء فریب‏ و هبوط انسان(صفحه 259)شاعر در کتاب‏ سفرهای ملاح رویا قالبا یا یک چیزی را از دست داده است یا در حال از دست دادن‏ است(صفحه 63-262)اگر ترسیم‏ آرمان‏گرایانهء طبیعت در صفحهء 266 و شعرهای عاشقانه-اجتماعی او را از این‏ کتاب منها کنیم عنصر امید و دیدگاه‏ هستی‏شناسی خوش‏باشانه رو به آینده در سفرهای ملاح رویا تقریبا کیمیاست.

شگفت‏آور این که چنین درون‏مایه با چنان‏ رنگ کبودی و با آن زبان کش‏دار و نفس‏گیر غالبا در شعرهای سپید بلند او عرضه شدند هرچند ساختمان کلی و البته متفاوت پاره‏ای‏ اندک از شعرهای سپید وی قابل تامل است‏ لیکن برای ذهن خوگرفته به شعر شاملویی‏ به عنوان بزرگترین نمایندهء شعر سپید،چنین‏ قطعات سپید مجابی بسیار زمخت و تأثیر مستقیم سه دهه کوشش پی‏گیر مستمر مجابی در حوزه‏های مختلف‏ ادبی از رمان،شعر،نمایشنامه تا تحقیق و روزنامه‏نگاری را آشکارا می‏توان‏ در شعرهای این کتاب دید.

دفتر بر بام بم اگرچه فریاد اعتراض است لیکن به دلیل‏ این که به ذات زبان شعر و عناصری چون ایجاز که در شاعرانگی زبان‏ بیشترین سهم را داراست کمتر وفاداری نشان داده است‏ به ندرت می‏تواند شعر اعتراض باشد.

تراش‏نخورده به‏نظر می‏آید بنابراین ذهن‏ و ذائقهء مخاطب کمتر می‏تواند از آن‏ها همان‏ رایحه‏ای را استشمام کند که از سیر و سیاحت‏ در بهار شعرهای سپید احمد شاملو.دری به‏ شادخویی از منظر زیباشناسی زبان خاطره‏ نوشت‏های منثورند که به مدد پاره‏ای از ابزارهای شعر بیان شده‏اند نثر نوشته‏هایی‏اند که حتی جابه‏جایی عناصر زبان در ساخت‏ کلام نتوانسته است غالب آن‏ها را از نثر بودن نجات دهد.تسامح شاعر حتی در شکل تقطیع سطرها و تکرارهای بی‏جای‏ واژه‏ها کمترین حیثیت شاعرانه را برای‏ این نوشته‏ها فراهم نیاورده است شعرهایی‏ که بر پایهء حداقل حس شاعرانه و در بستری‏ از تصنع و تکلف نوشته شده است از شاعری‏ چون مجابی بسیار بعید است که بخواهد چند اثر مختصر را-که از محاوره بودن و عامیانگی فقط شکست کلمات چندی را یدک می‏کشد-به عنوان شعر عامیانه‏ (ص 376)به خورد مخاطبانی بدهد که‏ قطعات عامیانهء شکوهمندی چون«به علی‏ گفت مادرش رازی»از فروغ و پریای احمد شاملو را زندگی کرده است با همهء این‏ها مجابی در بیشتر شعرهای کوتاه نمیایی‏اش‏ هم‏چنان است که باید باشد فرهیختگی و دانش کافی وی از تعاملی که در ساخت و معنای این شعرها ایجاد کرده آشکارا قابل‏ درک است.(225 تا 235 ص)در قطعهء کوتاه برای تو نوشته‏ام شاعر با شب تجربه‏اش‏ را آغاز می‏کند و سیاحت خود را تا ستاره‏ ادامه می‏دهد.ستاره‏ای جوان که کهکشان‏ آرایهء گیسوان اوست تناسب عناصر شب، ستاره و کهکشان که هر سه آسمانی‏اند و گیسوی سیاه معشوق که کنایتی از شب دراز است گو این که تجربهء تازه‏ای نیست شکلی‏ ساختمند و همگرا به صورت و معنا بخشیده‏ است این هم‏گرایی به صورت و معنا هنگامی‏ به خوبی درک می‏شود که دریابیم مقصد سیر آسمانی شاعر تجربهء وحدت معشوق و ستاره است این اختر جوان است که معشوق‏ شاعر است و یا معشوق اوست که ستاره‏ای‏ در آسمان شب است.برخی رویکردهای‏ زبانی مجابی بیشتر جنبهء تفنن دارد هیچ‏ سرمایه را نیز برای شعر او نمی‏اندورزد،مانند قطعاتی که در حال و هوای مولاناست لوح‏ سوم(صفحه 437)پری زده(صفحه 439)

ابر شده است گام من

بام به بام می‏روم

پر تب و تاب عالمم

وه که چه از تو روشنم

باز مرا برده‏ای

باز مرا می‏بری

می‏بریم ای پری

حال که دنیا شدی

دنیایی از ما شدی

این نمونه‏ها هیچ جز بازگشتی سطحی‏ از سر تفریح به گذشته نیست نوشته‏هایی‏ چنین ابتدایی را فقط ممکن است شاعران‏ جوان مبتدی مرتکب شوند پاره‏ای از قطعات‏ کتاب از حیث زبان بیشتر به قطعات ادبی‏ می‏مانند تا شعری خلاق.هیچ اتفاق‏ اندیشه‏ای و زبانی در آن‏ها رخ نداده است‏ و از کمترین امکانات شعری بی‏بهره‏اند مثل‏ قطعات در نوازش آفتاب بی‏هنگام صفحه‏ 442 و لوح هشتم ص 445 و از همین منظر قطعهء کافه تئاتر یک یادداشت خاطره نوشته‏ است تا شعر با این همه تلاش شاعر در کار واژه‏سازی و پاره‏ای هنجارگریزی‏های زبانی‏ قابل احترام است واژه‏های سنگ تخته به‏ جای تخته سنگ(صفحه 413)،برق تاب‏ (صفحه 377)دیروزان(صفحه 269) تجربه‏های موفق مجابی‏اند هم‏چنین است‏ تصویرهای کودکان امواج و شکوفه‏های‏ ماهی(صفحهء 70)

و این هم منزلی از سفرهای ملاح رؤیا:

بر سنگ ایستاده‏ای

و آب از سنگ برآورده‏ای

بانوی آبسال این قلمرو

سبزتر از چشمانت می‏خندد

در چشم آهوانت.(صفحهء 31)

(1).مجابی خود در مصاحبه‏ای با دانشجویان‏ شاعر یادآوری می‏کند که حتی وقایع خواندنی‏ صفحهء حوادث هم می‏تواند موضوع خواندن و تأمل قرار بگیرد اما این خواندن‏ها و دانایی‏ها به‏ گفتهء وی در حالتی نابخود عمل می‏کند نه آگاهانه‏ این جملهء مجابی دقیقا معنی تجربهء شعری از اتفاقات و دانایی‏هاست.ن.گ.شود به فصل‏نامهء فرهنگی هنری ادبی بامداد سال اول شماره دوم‏ و سوم پائیز و زمستان 81 ص 20